



دانشگاه گیلان

شماره سوم
مرداد و شهریور ۹۹

تشریح علمی و ادبی



سبزه ماند و سبزه
مهر کردی و
ماه نوید

دوماه نامه، ویژه می ۲۷ شهریور، روز

شعر و ادب پار

نشریه ماهانه دانشجویی ژرفا
شماره سوم، مرداد و شهریور ۹۹

صاحب امتیاز: انجمن علمی ادبی زبان و ادبیات فارسی
پژدیس زینب کبری (س) اراک

مدیر مسئول و دبیر انجمن

سردبیر

کارگروه ادبی هنری

کارگروه نگارش ادبی

طراح جلد، صفحه آرایی و ویراستاری

فاطمه کاووسی

سارا فرج‌دنیوی

فردوس منصوری و فاطمه کاووسی

مهدیه غفاری، فردوس منصوری،

فاطمه معظمی، فاطمه کاووسی

سارا فرج‌دنیوی



@anjomaneadabiatefarsi

- نشریه‌ی ژرفا دانشجویی بوده و با هدف ترویج فرهنگ و ادب و هنر گام برمی‌دارد.
- جهت همکاری و ارائه مطالب، بیان نظرات و انتقادات و پیشنهادات خود می‌توانید از طریق نشانی تلگرامی روابط عمومی به نشانی @dabireanjanman_adabi با ما در ارتباط باشید.

آنچه در این شماره خواهید خواند....

- ۳ سفیر الحسین
- ۴ ان الحسین مصباح الهدی
- ۵ روز خبرنگار (۱۷ مرداد)
- ۶ روز ملی صنعت چاپ (۱۱ شهریور)
- ۷ روز شعر و ادب پارسی و بزرگداشت شهریار (۲۷ شهریور)
- ۹ اسطوره شناسی (رستم دستان)
- ۱۰ دانشگاه شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)
- ۱۱ دانشگاه شناسی (دانشگاه ملی لومونسف مسکو)
- ۱۳ جهانگرد ژرفا (ونیز زیبا)
- ۱۵ ایرانگرد ژرفا (ائلی گلی تبریز)
- ۱۷ سبک شناسی (سبک عراقی)

سیرتِ حسین

مُسلِم بن عَقیل بن ابی طالب (شهادت: سال ۶۰ قمری) سفیر امام حسین (ع) در کوفه در واقعه کربلا و از آل ابی طالب بود. مسلم در برخی فتوحات مسلمانان و نیز در جنگ صفین حضور داشت. وی در گزارشی به امام حسین (ع) از آمادگی کوفیان برای حضور امام در کوفه خبر داد.

شعر زیبا و جان‌گداز زبان حال مسلم بن عقیل به قلم علیرضا خاکساری

دیگر خبر از لشکر چند صد نفری نیست
از او زره و خود و عبا و سپری نیست
یك ساعته غارت بکنند عادشان هست
دعوا سر این است که نگویم «علی آقا است»
دل شوردهام از نام «علی اکبر» لیل است
خون ریختن از هر که «علی» هست حلال است
هر کس که به کوفه برسد خانه خراب است
دلواپسی ام محض علی طفل رباب است
تو تاب عطش داری و شیرخواره ندارد
ترسم بود از حیل‌های سرده‌های کفار
دلواپسم از عاقبت چشم علمدار
یادت نرود حمله هم آدم تیزی‌ست
گفتم که بگویم به تو آماده‌ی جنگ باش
خوردی به زمین منتظر بارش سنگ باش
شرمنده‌ام آقای گلم - یوسف زهرا

اینجا دگر از بیعت و یاری خبری نیست
وقتی که بیایی ز سفیرت اثری نیست
کوفه‌ست و همین عاقبت بیعتشان هست
ای یا بن علی کوفه که نیست محشر کبر است
دل شوردهام از این نبود آخر دنیا است
این قلعه‌ی کوفی بی‌درد و ملال است
دلواپسم و این دلم از غصه کیاب است
سیراب بیا کوفه حسین قحطی آب است
اینجا عطشی هست که ره چاره ندارد
ترسم بود از این که شوی باز گرفتار
ترسم بود از حمله‌ی تیر و کمان دار
هر چند که در معرکه‌ها راه گریزی‌ست
گفتم بنویسم که حسین گوش به زنگ باش
در وقت جدل بر حذر از حلقه‌ی تنگ باش
اما نشد آقا... نشد آقا... نشد آقا...

با نصب عبیدالله بن زیاد به حکومت کوفه توسط یزید بن معاویه، کوفیان از اطراف مسلم پراکنده شدند. مسلم بن عقیل در روز عرفه (سال ۶۰ قمری) دستگیر به دستور عبیدالله به شهادت رسید. علت شکست قیام مردم کوفه هنگام حضور مسلم در این شهر را به دلیل نقش سیاست‌های عبیدالله بن زیاد در ایجاد وحشت بین مردم کوفه و نیز ساختار اجتماعی کوفه که مانع اتحاد و همبستگی مردمان کوفه می‌شد، دانسته‌اند.

مسلم داماد امام علی (ع) بود و نام چند تن از فرزندان او در شمار شهدای کربلا ثبت شده است.

گردآورنده: فاطمه معظمی



الحسن مصباح الهدى وغيتة النجاة

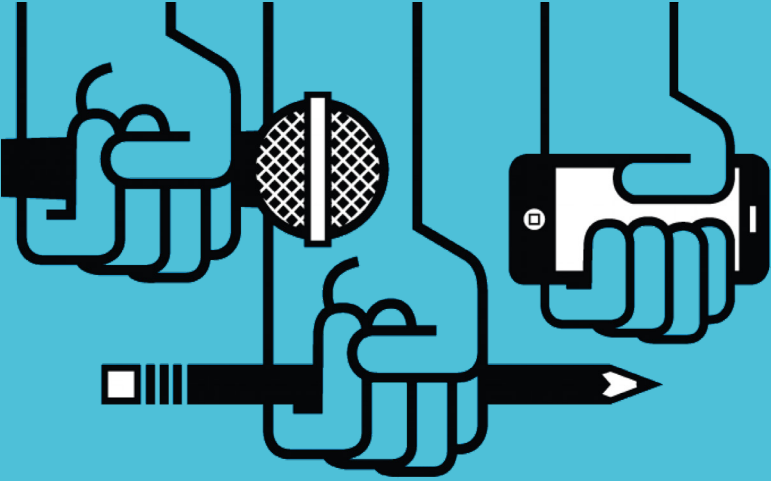
مسیحیت و اسلام بسیار فعال هستند و گرایش‌های خیلی مثبتی به امام حسین (ع) و شخصیت ایشان و بلاخص اهل بیت (ع) دارند اغلب انگلیسی‌ها امام حسین (ع) را در قامت و قداست حضرت مسیح (ع) برای خودشان می‌بینند؛ همه ما میدانیم که مسیحیت قائل به این هستند که مسیح به خاطر گناهان ما، به تعبیر مسلمانان، شهید شده و خود را به آن صورتی که به صلیب کشیده شد با صبر و شجاعتی که از خود نشان داد برای حفظ دین فدا کرده است. باین وجود مسیحیان تقریباً یک چنین حالتی را نیز برای امام حسین (ع) قائل هستند؛ البته وقتی به آن‌ها می‌گوییم که امام حسین (ع) نه تنها خودش بلکه تمام خانواده و عزیزانش را فدای دین کرد آن‌ها خیلی بیشتر جذب می‌شوند چون با اعتقادی که نسبت به مسیح دارند همخوانی دارد. فداکاری امام حسین و وقایعی که در کربلا رخ داده نه تنها برای مسیحیان بلکه هر شخص معمولی در انگلیس یک اتفاق بسیار مهم و عجیب است..

قمه‌زنی مشاهده نمی‌کنید بنابراین با قاطعیت تمام می‌توان گفت آن چیزی که تاکنون مشکل‌ساز

عشق به اهل بیت (ع) و به‌ویژه سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین مرز و جغرافیا و دین و مذهب نمی‌شناسد. در محرم شیفتگان حسین از مسلمان و مسیحی گرفته تا یهودی، کلیمی و زرتشتی از شبه‌قاره هند، اندوزی و تایلند تا سنگال و آمریکا و اروپا در عزای امام سوم شیعیان سوگواری و با هر سبک و سیاقی ارادت خود را به سید الشهداء و شهدای دشت کربلا ابراز می‌کنند. عزاداری مسلمانان انگلستان از آن دست عزاداری‌هایی است که هر ساله شاهد بازتاب آن در رسانه‌های کشورمان هستیم. عامه مردم انگلیس اطلاعات دقیقی در مورد امام حسین (ع) و تشیع ندارند و معمولاً قشری که بیشتر جذب می‌شوند قشر فرهیخته و علمی این کشور هستند و شناخت خوبی هم از امام حسین دارند که یک نمونه از این افراد کشیش ندیم ناصر است که یک کشیش مسیحی است و در مورد امام حسین (ع) برای مخاطبین خود حرف می‌زند. اگر شخصیت امام حسین (ع) به‌خوبی معرفی شود اروپایی‌ها به سراغ او می‌آیند. شما وقتی که در اینترنت در مورد امام حسین (ع) تصاویری را جستجو می‌کنید تصاویری جز خون و

بوده جریان افراطی قمه‌زنی و تخریب مرجعیت است. همان‌طور که اشاره شد امثال کشیش ندیم ناصر در بحث گفتگوی بین ادیان مخصوصاً بین

گردآورنده: فاطمه معظمی



آیا میدانید ۱۷ مرداد چه روزی است؟

روز خبرنگار است ای بی خبر خبردار
هان! صارمی شهید راه خبر به یاد آر

قدر قلم بدانیم فرصت نکو شماریم
در دور روزگاران باشیم نخل پر بار

تشویش خاطر خلق در آرمان ما نیست
بر اتحاد مردم داریم سعی بسیار

صاحب قلم بداند قدر کلام و کلمه
ای ژورنالیست دوران شأن قلم نگهدار

آنکه خبرنگار است جز حق نمی نگارد
وقت خبر نوشتن روز جزا به یاد آر

تیترا کلام خود را بنیاد کن به (صحت)
صادق اگر نباشیم بیهوده است اخبار

روز قاصدان و کاتبان خبر، روز آنان که سوگند خوردند
به حرمت قلم‌هایی که در دست دارند تا پای جان
راویان خبر باشند.

خبرنگار پیکی است که با قلم خویش احوال جهان
را بر پایروس رسانه مکتوب می‌کند و هر وقت که
اتفاقی می‌افتد، این خبرنگار است که نوار زرد رنگ
خطر را بالا می‌زند و در دل حادثه حاضر می‌شود تا
خبر تهیه کند.

خبرنگاری شغل مقدسی است، چرا که رسالت
روشنگری اذهان بر عهده‌ی خبرنگار است و این
خبرنگار است که با جوهر قلم خود صحت و سقم
ماجرایی را بیان می‌کند و با نمایش خبر در رسانه
مهر حقیقت و عدالت بر پیکره خبر می‌زند.

روز خبرنگار زمان ارزشمندی است برای بزرگداشت
مقام منیع آن کسانی که در عرصه‌های مختلف پرچم
آزادی، امید و آگاهی را افراشته‌اند.

روز خبرنگار را که به خاطر شهادت محمود صارمی،
شهید عرصه‌ی خبر به‌عنوان روز خبرنگار نام نهاده
شده است به همه‌ی خبرنگاران مسئول و متعهد
سرزمینم تبریک می‌گویم.

گردآورنده: فردوس منصوری





۱۱ شهریور روز ملی صنعت چاپ کرامی باد

گرفت. درباره شروع چاپ سنگی در ایران روایات متعددی وجود دارد، به نظر می‌رسد چاپ سنگی را برای نخستین بار میرزا صالح شیرازی در تبریز راه‌اندازی کرد. میرزا صالح که از سوی دولت ایران برای فراگیری هنرهای جدید به اروپا رفته بود، در بازگشت یک دستگاه چاپ سنگی با خود به تبریز آورد که آن را در سال ۱۲۵۰ قمری راه انداخت. البته هشت سال قبل از ورود چاپ سنگی به ایران چاپ سربی نیز راه‌اندازی شده بود ولی به علت هزینه و زحمت زیاد آن پس از ورود چاپ سنگی، کنار گذاشته شد و بعدها در اواخر دوره قاجار دوباره حروف سربی و استفاده از آن رایج شد.

گردآورنده: فردوس منصوری

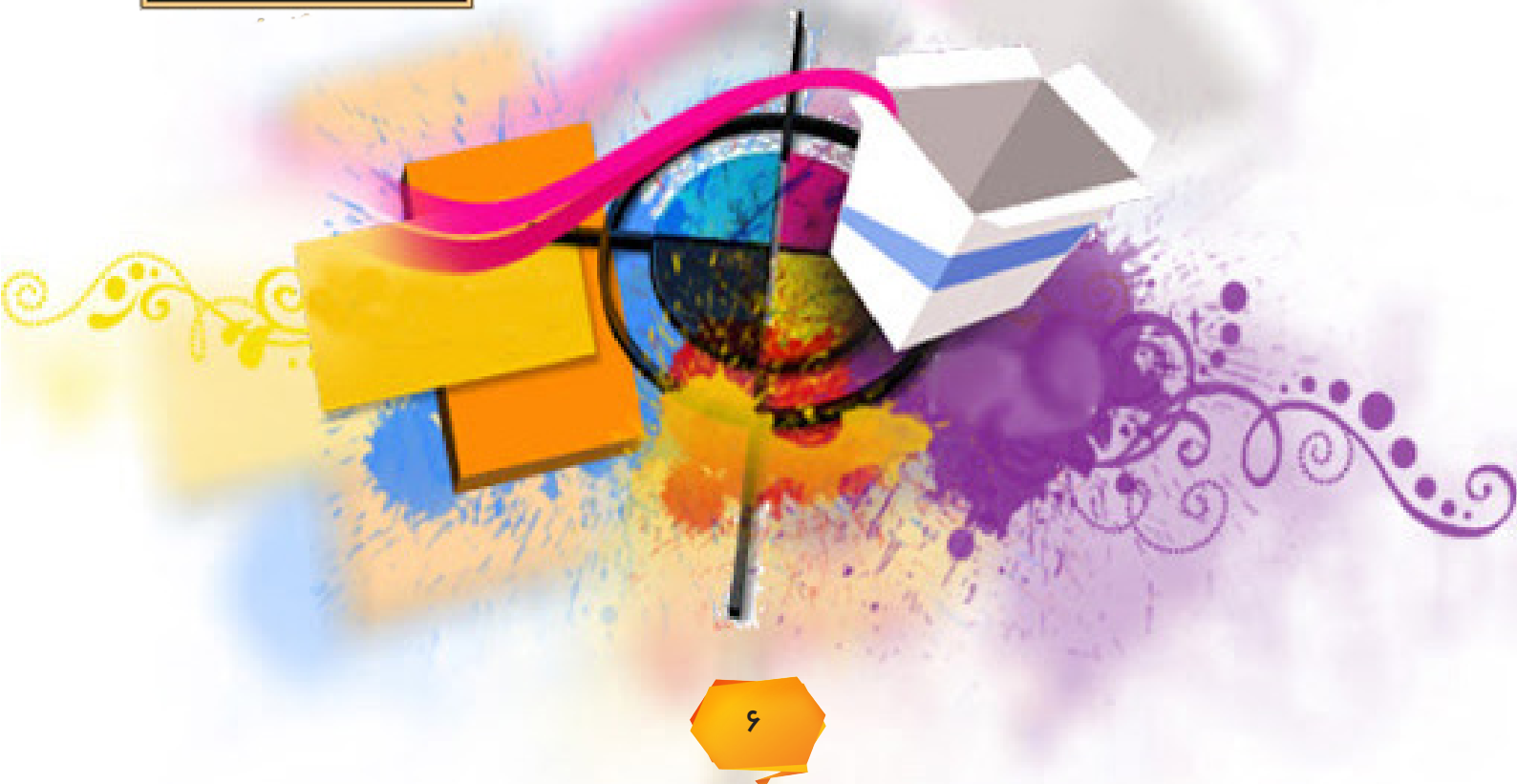
سال ۱۰۴۰ میلادی، کیمیاگری چینی به نام «پی شنگ» از گل و نوعی چسب مخصوص، ترکیبی به وجود آورد و با آن حروفی متحرک ساخت و سپس این حروف را پخته و سفت کرد. پی شنگ حروف را کنار هم قرار می‌داد و با وسیله‌ای فلزی محکم می‌کرد و بر روی آن مخلوطی از رزین، موم و خاکستر می‌مالید و صفحه حروف را به آرامی حرارت می‌داد پس از انتقال نقش صفحه بر کاغذ و تکثیر آن، باز حروف را به آرامی حرارت می‌داد و از هم جدا می‌کرد که این ابتکار «پی شنگ» را راه‌حل حروف چینی با حروف متحرک می‌دانند.

«انجیل گوتنبرگ» که در سال ۱۴۵۵ یا ۱۴۵۶ میلادی به پایان رسید، اولین کتاب واقعی محصول نوع چاپ متحرک بود.

در ایران هم ظهور خدمات و صنعت چاپ به بیش از صد سال پیش بازمی‌گردد.

برخی افراد بر این باور هستند صنعت چاپ در زمان مغول در ایران وجود داشته است با این حال ظهور صنعت چاپ به شکل جدید آن در دوره قاجار در ایران شکل

برخلاف آنچه که اکثرأ فکر می‌کنیم، پیدایش صنعت چاپ به اختراع گوتنبرگ و غرب بازمی‌گردد بلکه این صنعت بنا بر گفته‌ای در چین ایجاد شد. گرچه اشیپیل فوگل در کتاب خود هیچ اشاره‌ای به نقش مشرق زمین و به‌طور خاص، چین در ابداع چاپ نکرده است و آن را از مهم‌ترین ابداعات فناوری تمدن غربی می‌شمارد اما بسیاری از مورخان و نویسندگان همانند هنری لوکاس، نقش چین را در چاپ نادیده نگرفته‌اند و بر این باور هستند که این هنر از چین به اروپای غربی رسیده است. به این ترتیب، مراحل تحول چاپ در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما بر اساس آنچه عبدالحسن آذرننگ در کتاب خود می‌نویسد: «در حدود



روز شعر و ادب پارسی

۲۷ شهریور | بزرگداشت شهریار

این شعر کودکانه، گواه نبوغ و قریحه شگفت‌انگیز او بود. شهریار شرح حال دوران کودکی خود را در اشعار آذربایجانی‌اش بسیار زیبا، تأثیرگذار و روان به تصویر کشیده است.

هوشنگ طیار شاگرد و دوست و همشهری شهریار از عشقی که نقطه عطف زندگی او و عاملی در روی آوردن شهریار به ادبیات است، سخن گفت.

هوشنگ طیار شاعر و از شاگردان و دوستان شهریار در گفت‌وگو با فارس گفت: زمانی که شهریار برای خواندن درس پزشکی به تهران آمد، همراه با مادرش در خیابان ناصرخسرو کوچه مروی یک اتاق اجاره می‌کند. آنجا عاشق دختر صاحب‌خانه می‌شود. صحبتی بین مادران آن‌ها مطرح می‌شود و یک حالت نامزدی به وجود می‌آید. قرار می‌شود که شهریار بعد از اینکه دوره انترنی را بگذراند و دکترای پزشکی را گرفت با دختر عروسی کند. این شاعر و دوست شهریار تصریح کرد: شهریار رفته بود خارج از تهران تا دوره را بگذراند و وقتی برگشت متوجه شد، پدر دختر او را به یک سرهنگ داده است و

آن‌ها باهم ازدواج کرده‌اند. شهریار دچار ناراحتی

روحي شدیدی می‌شود و حتی مدتی هم

بستری می‌شود و در این دوران غزل‌های

خوب شهریار سروده می‌شوند.

طیار با بیان اینکه آن دختر برخلاف

شایعات فامیل شهریار نبوده و «عزیزه

خانم» همسر شهریار فامیل او بوده

است، اظهار داشت: بهجت آباد

سابق بر این تفرج‌گاه

تهران بود و مثل امروز

آپارتمان‌سازی نشده بود.

این محل، جایی بود که

بیشتر اوقات شهریار با

دختر برای گردش آنجا

می‌رفت. بعد از اینکه

دختر ازدواج می‌کند،

شهریار یک روز

سیزده‌بدر برای زنده

کردن خاطرات آنجا می‌رود

و دختر هم با شوهر و بچه

آنجا می‌آیند. شهریار با دختر روبرو

سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، شاعر پارسی‌گوی آذری‌زبان، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی ر بازارچه میرزا نصرالله تبریزی واقع در چای کنار چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۲۸ هجری قمری که تبریز آبستن حوادث خونین وقایع مشروطیت بود پدرش او را به روستای قیش قورشان و خشکتاب منتقل نمود. دوره‌ی کودکی استاد در خاستگاه پدری و در آغوش طبیعت و روستا سپری شد که منظومه حیدربابا مولود آن خاطرات است.

او در خانواده‌ای متدین، کریم الطبع و اهل فضل پا بر عرصه وجود نهاد. پدرش حاجی میر آقاي خوشکناپی از وکلای مبرز و فاضل و عارف روزگار خود بود که به سبب حسن کتابتش به عنوان خوشنویسی توانا مشهور حدود خود گشته بود. او تحصیلات خود را در مدرسه متحده و فیوضات و متوسطه تبریز و دارالفنون تهران گذراند و وارد دانشکده طب شد. سرگذشت عشق آتشین و ناکام او که به ترک تحصیل وی از رشته پزشکی در سال آخر منجر شد، مسیر زندگی او را عوض کرد و تحولات درونی

او را به اوج معنوی ویژه‌ای کشانید و به اشعارش

شور و حالی دیگر بخشید. وی سرانجام پس از

هشتاد و سه سال زندگی شاعرانه پربار در ۲۷

شهریورماه ۱۳۶۷ هجری شمسی درگذشت

و بنا به وصیت خود در مقبره الشعرای

تبریز به خاک سپرده شد.

او در سرودن انواع گونه‌های شعر

فارسی مانند قصیده، مثنوی، غزل،

قطعه، رباعی و شعر نیمایی نیز

تبحر داشته است، اما بیشتر از

دیگرگونه‌ها در غزل شهره بود

و ازجمله غزل‌های معروف

او می‌توان به «علی ای همای

رحمت» و «آمدی جانم به قربانت»

اشاره کرد. ولی بیشتر توجه شهریار

به غزل بوده و به شیوه‌ی استادان

غزل، به سبک عراقی سروده است که

در عین تتبع، طرز بیان او تازگی دارد. در

بعضی غزل‌هایش نفوذ «حافظ» پیداست.

او نخستین شعر خویش را در چهار سالگی به

زبان ترکی آذربایجانی سرود. بی‌شک سرایش



می‌شود و این غزل را آنجا می‌سراید:

یار و همسر نگرفتم که گرو بود سرم
تو شدی مادر و من با همه پیری پسر

طیار افزود: شهریار در جلد
سوم دیوانش منظومه‌ای بلند
در معرفی مفاخر ایران
می‌گوید و از شعرای
قدیمی و معاصر یاد
می‌کند. حتی راجع به
نیما می‌گوید:
به خود گذشته و
بگذریم از نیما
که تا فسانه‌اش از ما و
بعد از آن بی‌ما
ظاهراً کمی از نیما بعد از آنکه
او سراغ شعر بی‌وزن رفته بود
روگردان شد. او ارادت زیادی به
نیما به خاطر شعر «افسانه» داشت
سیری در آثار

شهرت شهریار تقریباً بی‌سابقه است،
تمام کشورهای فارسی‌زبان و ترک‌زبان، بلکه
هر جا که ترجمه یک قطعه او رفته باشد، هنر
او را می‌ستایند.

منظومه «حیدربابا سلام» در سال ۱۳۲۲ منتشر شد و از
لحظه نشر مورد استقبال قرار گرفت.
حیدربابا نه تنها تا کورده‌ده‌های آذربایجان، بلکه به ترکیه
و قفقاز هم رفته و در ترکیه و جمهوری آذربایجان
چندین بار چاپ شده است، بدون استثنا ممکن نیست
ترک‌زبانی منظومه حیدربابا را بشنود و منقلب نشود.
این منظومه از آثار جاویدان شهریار و نخستین شعری
است که وی به زبان مادری خود سروده است.
شهریار در سرودن این منظومه از ادبیات ملی آذربایجان
الهام گرفته است.

منظومه حیدربابا تجلی شور و خروش جوشیده از عشق
شهریار به مردم آذربایجان است، این منظومه از جمله
بهترین آثار ادبی در زبان ترکی آذری است و در اکثر
دانشگاه‌های جهان از جمله دانشگاه کلمبیا در ایالات
متحده آمریکا مورد بحث رساله دکترای قرار گرفته است
و برخی از موسیقیدانان همانند هاژاک آهنگساز معروف
ارمنستان آهنگ جالبی بر آن ساخته است.

اشعار ولایی

عمق تعلقات دینی و توجهات مذهبی خانواده و نیز
شخص استاد شهریار به حدی است که عشق به ائمه
اطهار علیه‌السلام در بسیاری از اشعارش عیناً هویدا است.
او در نعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

می‌فرماید:

ستون عرش خدا قائم از قیام محمد
بین که سر به کجا می‌کشد مقام محمد
به جز فرشته عرش آسمان وحی الهی
پرندۀ پر نتوان زد به بام محمد
به کارنامه منشور آسمانی قرآن
که نقش مهر نبوت بود بنام محمد...

اشعار شهریار در ستایش امام اول شیعیان
جهان سرآمد سلسله مداحان اهل بیت
عصمت و طهارت علیه‌السلام است.
علی ای همای رحمت تو چه آیتی
خدا را

که به ماسوا فکندی همه سایه
هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ
علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدا
را

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را...

شهریار جان‌سوزترین اشعار خود را تقدیم حضرت
سید الشهداء علیه‌السلام و حماسه ابدی او کرده است:
شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین
روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست
مروه پشت سر نهاد اما صفا دارد حسین...

ویژگی سخن

شهریار روح بسیار حساسی دارد. او سنگ صبور غم‌های
نوع انسان است. اشعار شهریار تجلی دردهای بشری
است.

او همچنین مقوله عشق را در اشعار خویش ناب‌تر از هر
شعری عرضه داشته است.

در ایام جوانی و تحصیل گرفتار عشق نافرجام، پرشوری
می‌گردد. عشق شهریار به حدی است که او در آستانه
فارغ‌التحصیلی از دانشکده پزشکی، درس و بحث را رها
می‌کند و دل در گرو عشقی نافرجام می‌گذارد:

دلم شکستی و جانم هنوز چشم به راهت

شبی سیاهم و در آرزوی طلعت ماهت

در انتظار تو چشم سپید گشت و غمی نیست

اگر قبول تو افتد فدای چشم سیاهت

گردآورنده: فاطمه کاووسی

رستم داستان



رستم نام‌آورترین چهره‌ی اسطوره‌ای در شاهنامه و به تبع آن برترین چهره‌ی اسطوره‌ای در ادبیات ایران است. کسی که همه او را با «هفت‌خوان» می‌شناسند. تولد او که با کمک گرفتن زال از سیمرغ انجام شد، تفاوت او را نسبت به سایر پهلوانان شاهنامه آشکارتر می‌کند. رستم در طول حضورش در شاهنامه، تأثیرگذارترین شخصیت داستان‌ها و خط محوری اتفاق‌ها و روایت‌هاست و گره‌ی بسیاری از مشکلات به دست او باز می‌شود. او فرزند زال و رودابه است و تبار پدری رستم به گرشاسب (پهلوان اسطوره‌ای و چهره برتر اوستا) و از طریق گرشاسب به جمشید می‌رسد. و تبار مادری او به مهراب کابلی و ضحاک می‌رسد. رستم به دست شغاد (برادرش) کشته شد.

لقب او لقب : تهمتن، پیل تن، تاج‌بخش.

مهم‌ترین حوادث و اقدامات رستم که در شاهنامه به نظم آمده عبارت است از:

❁ کشتن دیو سپید.

❁ فتح دژ سپندکوه.

❁ آوردن کیقباد از البرزکوه.

❁ نجات دادن کیکاووس و سایر

پهلوانان در بند دیو سپید در

مازندران (با استان مازندران اشتباه

نشود) با گذشتن از هفت‌خوان

❁ نجات کیکاووسی از بند شاه

هاماوران.

❁ بیرون راندن افراسیاب از ایران

که در غیبت کاووس به ایران

تاخته و آن را تسخیر کرده بود.

❁ جنگ با سهراب.

❁ پرورش سیاوش پسر کیکاووس.

❁ کشتن سودابه همسر کیکاووس به خونخواهی

سیاوش.

❁ خونخواهی سیاوش و تاختن به توران.

❁ حضور در جنگ با خاقان چینو کشتن کاموس

کشانی و اسارت خاقان چین.

❁ کشتن اکوان گیو دیو.

❁ نجات بیژن پسر گیو دیو از چاه افراسیاب.

❁ کشتن اسفندیار.

❁ پرورش بهمن پسر اسفندیار.

در سایر منظومه‌ها:

جنگ با برزو از خواجه عمید

عطاری رازی

جنگ با جهانگیر پسر خود از

قاسم مداح

هفت خان رستم

خان اول: نبرد رخس با شیر

خان دوم: گذر از بیابان خشک

خان سوم: کشتن اژدها

خان چهارم: زن جادوگر

خان پنجم: جنگ با اولاد مرزبان

خان ششم: جنگ با ارژنگ دیو

خان هفتم: جنگ با دیو سپید

گردآورنده: فاطمه کاووسی



پاژوقا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

(دانشگاه شهید بهشتی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

یافت، و متعاقب آن در سال ۱۳۶۶ با شروع بکار مجدد دانشکده علوم زمین رشته جغرافیا به‌طور دائم در

دانشکده ادبیات و علوم انسانی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی (۶۳ - ۱۹۶۲ م) با نام دانشکده زبان‌های خارجی تأسیس شد. در بدو تأسیس دانشکده با پذیرش ۴۸ دانشجو در ۴ رشته آموزشی زبان و ادبیات انگلیسی، آلمانی، فرانسه و ایتالیایی شروع به کار کرد. در سال تحصیلی ۴۸ - ۱۳۴۷ با افزایش برخی رشته‌های علوم انسانی و با افزایش فضاهای آموزشی مورد نیاز، تعداد گروه‌های آموزشی به ۱۰ گروه به شرح ذیل ارتقاء یافت.

۱ - تاریخ

۲ - جغرافیا

۳ - جامعه‌شناسی

۴ - فلسفه

۵ - روانشناسی

۶ - زبان و ادبیات انگلیسی

۷ - زبان و ادبیات آلمانی

۱۰ - فلسفه

۱۱ - زبان روسی

۱۲ - باستان‌شناسی

گروه زبان و ادبیات فارسی که از قدیمی‌ترین گروه‌های دانشکده ادبیات است، دارای سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد (در دو گرایش «ادبیات کودک و نوجوان» و «زبان و ادبیات فارسی محض») و دکتری (در دو گرایش «زبان و ادبیات فارسی محض» برای فارسی‌زبانان و «زبان و ادبیات فارسی با زمینه عرفانی» برای دانشجویان خارجی) است. علاوه بر این گرایش‌ها، گروه بر آن است تا دو گرایش «ادبیات عرفانی» را در مقطع دکتری و «نقد و نظریه ادبی» را در مقطع کارشناسی ارشد به فهرست گرایش‌های خود بیفزاید.

از ویژگی‌های گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی پرداختن به ادبیات معاصر و برقراری توازن بین ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر است. همچنین وجود «قطب تاریخ ادبیات» در این گروه و برگزاری اولین نشست مطالعات تاریخ ادبیات بر شخص این گروه در میان دانشگاه‌های دیگر افزوده است. باین‌حال، گروه زبان و ادبیات فارسی بر آن است تا با تقویت همگرایی بین استادان این رشته بر گستره فعالیت‌های پژوهشی خود و در نتیجه بر اثربخشی و کارآمدی دستاوردهای خود بیفزاید.

دانشکده علوم زمین به فعالیت ادامه داد. همچنین رشته زبان و ادبیات ایتالیایی نیز به دانشگاه تهران انتقال یافت.

رشته روانشناسی نیز به دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی انتقال یافت.

در سال ۱۳۶۲ مقدمات تأسیس رشته زبان و ادبیات عرب نیز در دانشگاه فراهم گردید، و در همان سال اقدام به پذیرش دانشجو نمود. گروه زبان و ادبیات چینی نیز در سال ۱۳۷۵ تأسیس و اقدام به پذیرش دانشجو نموده



است. گروه زبان‌شناسی نیز در سال ۱۳۷۹ تأسیس و در مقطع کارشناسی ارشد در سه گرایش اقدام به پذیرش دانشجو نمود.

در حال حاضر دانشکده در رشته‌های زیر دانشجو می‌پذیرد:

۱ - تاریخ

۲ - علوم اجتماعی

۳ - زبان و ادبیات عرب

۴ - زبان و ادبیات آلمانی

۵ - زبان و ادبیات انگلیسی

۶ - زبان و ادبیات فارسی

۷ - زبان و ادبیات فرانسه

۸ - زبان‌شناسی

۹ - زبان چینی

۸ - زبان و ادبیات فارسی

۹ - زبان و ادبیات ایتالیایی

۱۰ - زبان و ادبیات فرانسه

و در همان سال (۴۸ - ۱۳۴۷) با تجدیدنظر در برنامه و توسعه و تقویت کادر هیئت‌علمی و با تنظیم برنامه‌هایی که به تصویب وزارت فرهنگ و وقت رسیده بود، رسماً نام دانشکده به نام دانشکده ادبیات و علوم انسانی تغییر یافت.

رشته جغرافیا در سال ۱۳۵۶ به دانشکده علوم زمین انتقال یافت و پس از انقلاب فرهنگی رشته جغرافیا به‌جز در مقطع کارشناسی ارشد مجدداً به دانشکده ادبیات و علوم انسانی انتقال

گردآورنده: مهدیه غفاری

گردآورنده: فاطمه کاوسی

در این شماره از مجله ژرفا ما در مورد سمبل آموزش عالی کشور روسیه صحبت می‌کنیم. دانشگاه ملی لومونسف مسکو، به جرأت می‌توان گفت بزرگ‌ترین نهاد دانشگاهی کشور روسیه می‌باشد.



مجموعه‌ها و دپارتمان‌های علمی و تحقیقاتی دانشگاه ملی لومونسف مسکو

در حال حاضر بیش از ۱۷ هزار تن از بهترین اساتید روسیه و جهان مشغول کار و تحقیق در این دانشگاه می‌باشند. بیش از ۶۰ هزار دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه ملی لومونسف مسکو مشغول تحصیل می‌باشند.

با ژرفا دانشگاه ملی لومونسف مسکو لا مونسفیم (Lomonosov Moscow State University)

دانشگاه مسکو در شمار یکی از زیباترین، بهترین و باعظمت‌ترین دانشگاه‌های جهان از لحاظ معماری، به شمار می‌آید. این دانشگاه ابتدا در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۷۷۵، با همت میخائیل واسیلویچ لومونسف در ساختمان نه‌چندان بزرگی در میدان سرخ تأسیس شد. این نخستین دانشگاه کشور روسیه بود.

ساختمان اصلی دانشگاه مسکو که به سبک معماری گوتیک و باروت ساخته شده است، یکی از هفت آسمان‌خراشی است که در اواخر دوران ژوزف استالین (سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۳) به دستور او در مسکو ساخته شدند.

بر اساس رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان در آموزش عالی توسط موسسه‌ی تایمز در سال ۲۰۱۹ دانشگاه دولتی مسکو در رتبه ۱۸۹ دانشگاه‌های برتر جهان قرار دارد، درحالی‌که بر اساس نظام رتبه‌بندی کیو اس در سال ۲۰۱۹، این دانشگاه رتبه ۸۴ را در بین دانشگاه‌های برتر دنیا و رتبه اول را در بین دانشگاه‌های روسیه از آن خود کرده است.

بر خلاف دانشگاه‌های دیگر تحصیلات در این دانشگاه فقط به زبان روسی می‌باشد.

از لحاظ علمی، دانشگاه ملی لومونسف مسکو تنها قابل مقایسه با دانشگاه ملی سنت پترزبورگ می‌باشد. با اطمینان می‌گوییم که دانشگاه ملی لومونسف مسکو دارای بالاترین رتبه علمی و اعتبار در سطح کشورهای اروپایی می‌باشد. هر ساله از ۱۷۳ کشور جهان برای تحصیل و بازدید از دانشگاه ملی لومونسف مسکو به نام لومونسف به کشور روسیه سفر می‌کنند، می‌شود گفت این دانشگاه یکی از جاذبه‌های گردشگری کشور روسیه می‌باشد.

کتابخانه‌ها

آیا می‌دانستید یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین کتابخانه‌های قاره اروپا در این دانشگاه قرار دارد؟ بله این کتابخانه با داشتن ۱۰ میلیون جلد کتاب و میلیون‌ها عدد از مقالات علمی مختلف، ذخایر ارزنده‌ای از دانش و اندوخته‌های بشریت محسوب می‌گردد.

البته این بزرگ‌ترین کتابخانه وابسته به دانشگاه لومونسف می‌باشد و همچنین این دانشگاه در هر بخش از دانشگاه دارای کتابخانه‌های متعدد می‌باشد. سالن‌های مطالعه و کامپیوتر و کتاب‌های الکترونیک نیز از امکانات کتابخانه‌های مربوطه می‌باشد



لوگوی دانشگاه ملی لومونسف مسکو



همکاری‌های بین‌المللی

واضح است که چنین دانشگاه بزرگی دارای ارتباطات و همکاری‌های بسیار گسترده‌ای با تمامی دانشگاه‌ها و کشورهای پیشرو در علم می‌باشد. به‌طوری‌که یکی از مقاصد بازدیدهای سفرا و روسای جمهور کشورهای مختلف می‌باشد و بسیاری از اسناد همکاری‌های علمی در داخل دانشگاه لومونسف به امضا می‌رسد.

تقریباً می‌شود گفت تمامی غول‌های فناوری و تکنولوژی حال حاضر جهان با این دانشگاه همکاری‌های علمی و تحقیقاتی دارند و طراحی بسیاری از اجزا و قطعات زیر نظر دانشگاه ملی مسکو به نام دانشمند بزرگ میخائیل لومونسف انجام می‌گیرد.



فارغ‌التحصیلان برجسته دانشگاه لومونسف:

- ۱ ایوان تورگنیف (شاعر و رمان‌نویس مشهور روس)
- ۲ آنتوان چخوف (پزشک، رمان‌نویس و شاعر مشهور روس)
- ۳ ویتالی گینزبرگ (فیزیکدان، دارنده نوبل)
- ۴ آندره ساخاروف (پدر بمب هسته‌ای روسیه، دارنده نوبل)
- ۵ میخائیل گورباچف (رهبر اتحاد جماهیر شوروی، نوبل)
- ۶ میخائیل سوسلف (دبیر حزب کمونیست شوروی)
- ۷ ولادیمیر آرنولد (ریاضیدان برجسته روس)
- ۸ بوریس دمیدروف (شیمیدان و ریاضیدان)
- ۹ آندری کولموگوروف (ریاضیدان)

و همچنین جوایز متعدد فیلدز مارشال کانادا و آلمان مادر آلمان نیز از دستاوردهای برجسته دانشگاه ملی لومونسف مسکو می‌باشد.

دانشگاه ملی لومونسف مسکو دارای رشته‌های زیر می‌باشد:

- | | |
|--------------|--------------|
| تحصیل پزشکی | حقوق و فلسفه |
| دندانپزشکی | سینما |
| مهندسی | تئاتر |
| هنر و ادبیات | |

شهر رؤیایی و نپیز

جهانگرد ژرفا



در این شماره از مجله ژرفا به شهر زیبای ونیز سفر می‌کنیم... شهری با خیابان‌های به از جنس دریا...

ونیز جزیره‌ای در شمال ایتالیا است که در خلیجی از تالاب ونت زیبا در نزدیکی دریای آدریاتیک قرار گرفته است و به‌صورت جزیره‌های کوچک است که جزیره‌ها به‌وسیله کانال‌هایی از هم جدا شده‌اند و تردد در شهر به‌وسیله قایق صورت می‌گیرد؛ شهر ونیز یکی از شهرهای گردشگر پذیر جهان است و سالانه میلیون‌ها گردشگر به این شهر می‌روند و از دیدنی‌های این شهر می‌توان به میدان سن مارکو محل دفن مرقس یکی از حواریون عیسی مسیح که به سن مارکو مشهور است اشاره کرد؛ ونیز به خاطر شکل عجیب شهر و همچنین تعداد آثار تاریخی و هنری و معماری در لیست میراث جهانی یونسکو نیز قرار گرفته

که همین امر موجب شده سالانه میلیون‌ها نفر از سرتاسر جهان برای دیدن این شهر زیبا به ایتالیا سفر کنند.

ونیز به شهر کانال‌ها مشهور است و با جمعیتی بالغ بر ۶۶۳/۲۷۱ نفر مرکز ناحیه ونتو است، شهر ونیز که در ایتالیایی به آن ونت زیبا می‌گویند مرکز استان ونتو بادر شمال شرق ایتالیا قرار دارد و بیشتر از هزار سال مرکز جمهوری ونیز بود و به نام‌های سرنیسیما (آرام آرام) و لادومینانته (حاکم) و رجینا دل ادریاتیکو (ملکه دریای آدریاتیک) نیز شناخته می‌شود؛ شهر ونیز هم‌سطح دریا می‌باشد و دارای ۱۱۸ جزیره است، بعضی از این جزایر به هم به‌وسیله پل متصل می‌باشند و بعضی دیگر مجزا.

نام ونیز در ایام قدیم به تمام منطقه ونتو و فریولی با نام ونزیا اطلاق می‌شد، عده‌ی زیادی معتقد هستند که این مکان تاریخی، محل سکونت افرادی بوده که از

جنگ تروا گریخته‌اند اما باستان شناسان دریافته‌اند که این شهر از قرون پنجم و ششم بعد از میلاد شکل گرفته است؛ طبق گفته‌ها زمانی که بربرها به رم حمله

کردند، تعداد زیادی از اهالی سرزمین اصلی ونیز گریختند و پراکنده شدند، بنابراین در ابتدا اقامتگاه‌های این شهر موقتی بودند که ساکنان آن، آن‌ها را به اقامتگاه دائمی خود تبدیل کردند و به دلیل قرار گرفتن در زمین باتلاقی، آن‌ها مجبور شدند خانه‌های مقاوم‌تری بسازند و آن‌ها به این نتیجه رسیدند که

خانه‌ها

را روی

سکوهایی چوبی

بنا کنند که سازه‌ها

را محفوظ نگه دارد.

بعدها این جزایر کوچک

را با استفاده از پل‌هایی به هم

وصل کردند که این کار، برقراری

ارتباط را برای آن‌ها ساده‌تر

کرد، این نحوه‌ی ساخت و ساز

موجب شد که این شهر شبیه

به شهری شناور روی آب به

نظر برسد بنابراین ونیز زیبا را

شهر شناور روی آب نامیدند؛

بعدها ونیز رشد کرد و در دنیا



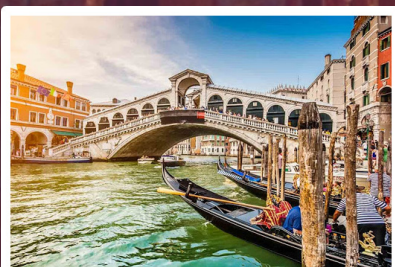
مکان‌های دیدنی ونیز



پل افسوس



میدان و کلیسای سن مارکو



پل ریالتو



کاخ دو کاله



گالری آکادمیا

ونیز وضع شده که در طول جشنواره‌های هنری یا فرهنگی استفاده از تزئینات گران قیمت، چه از طرف دولت و چه از طرف مردم، ممنوع است. خانه‌های لوکس و سلطنتی در ونیز ترکیبی از سبک‌های بیزانس، گوتیک و باروک هستند. سن شهر ونیز، حدود ۱۵۰۰ سال است.

جمهوری ونیز بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ یکی از قدرتمندترین جمهوری‌های منطقه بوده است. غذا دادن به کبوترها در ونیز ممنوع است.

یکی از ترس‌های همیشگی راجع به ونیز، غرق شدن شهر است!

در بازه جزر و مد شدید آب بسیاری از توریست‌ها به ونیز می‌آیند تا از این پدیده بازدید کنند، ولی بسیاری از بومیان ونیز ترجیح می‌دهند در این زمان از شهر خارج شوند.

نگهداری از خانه‌های قدیمی در ونیز بسیار گران قیمت است.

کریستال‌های ونیزی هم شهرت فراوان دارند و طرز ساختشان دیدنی است. این کریستال‌ها هنوز با روش سنتی در جزیره‌های اطراف ونیز (مورانو و بورانو) ساخته می‌شوند: ظریف و خارق‌العاده با قیمت‌های بالا.

گردآورنده: فاطمه کاووسی

با نام جمهوری ونیز شناخته شد که دوک ونیز، بالاترین مقام این جمهوری آن را اداره می‌کرد کسی که تجارت ونیز با اروپا را ارتقاء بخشید، آن‌ها محصولاتی نظیر ابریشم، ادویه‌جات، غلات و سایر کالاهای گران قیمت را صادر می‌کردند، دوک ونیز قصر زیبایی ونیز را ساخت که اکنون نیز یکی از بناهای دیدنی ونیز است.

جالب است بدانید...

یکی از مشخصه‌های ونیز، پل‌های زیبای آن است. ونیز ۴۱۸ پل دارد.

پیدا کردن آدرس در

ونیز کار بسیار

سختی است،

مناطق

سکونت

در

این شهر بر اساس شماره تلفن تفکیک شده است و خبری از اسم خیابان و کوچه نیست.

وسيله نقلیه در شهری که بر روی آب قرار دارد، چیزی جز قایق نیست. قایق‌هایی با نام‌های گوندولا وجود دارد که در ونیز حدود ۷۵۰ قایق این چنینی وجود دارد.

در سال‌های اخیر قانونی در

ایرانگردشرفا

از آن تاریخ به بعد، فقط استخر شاه برای ذخیره کردن آب جهت آبیاری مزارع و باغ‌های شهر در تابستان‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

احداث بنای اولیه آبگیر باغ ایل گلی را به پادشاهان آق‌قویونلوها نسبت می‌دهند که در دوره صفویه این آبگیر توسعه و گسترش یافته است. ابعاد این آبگیر ۲۰۰×۲۰۰ متر می‌باشد که اندازه آن

ردیف درخت تبریزی در کنار دیوار عقب آن و یک ردیف درخت پید در کنار نهرهای آن است.

در دوران قاجار در پیرامون استخر ایل گلی خیابان‌هایی جهت عبور و مرور احداث گردید و در جوار این معابر، درختان درخت تبریزی، پید مجنون و گل‌های اطلسی متعددی در چندین ردیف جهت تزئین گردشگاه و پاک‌ی آب و هوا کاشته شد. ایل گلی در دوران پهلوی به شهرداری تبریز واگذار شد تا به یک گردشگاه عمومی تبدیل شود. در مرکز استخر ایل گلی، عمارت کلاه فرهنگی هشت‌ضلعی وجود دارد که امروزه به صورت یک تالار پذیرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به کاخ ایل گلی مشهور است. این بنا پیش‌تر

ساختمانی خشتی بود که در سال ۱۳۴۶ شمسی

تخریب گشت و با

همت شهرداری تبریز و استانداری،

جای خود را به یک ساختمان زیبا و مقاوم داد.

شاهزاده قهرمان میرزا، پسر

هشتم نایب‌السلطنه عباس میرزا،

هنگام فرمانروایی در تبریز، به

تعمیر این استخر همت گماشت،

عمارت ۲ طبقه زیبایی در وسط

آن بنا کرد، از وسط ساحل شرقی

استخر تا محل عمارت خیابانی

تعبیه نمود و کوه بلندی را که در

جانب شرقی استخر قرار داشت

به صورت سکوها و پله‌های

عریض مرتبی درآورد و در چند

جای آن‌ها به فاصله معین

جوی‌ها و آبشارهایی

ایجاد کرد و در نظر

داشت که این بنا را

کاخ ییلاقی خود قرار

دهد، اما هنوز کار تزئین

بنا اتمام نیافته بود که درگذشت

و فرزندانش این حادثه را به فال

بد گرفتند. عمارت متروک ماند و

ایل گلی یکی از مهم‌ترین تفرجگاه‌های تبریز است که سابق بر این با نام شاه گلی خوانده می‌شد.

این گردشگاه زیبا در جنوب شرق تبریز و ۷ کیلومتری مرکز شهر، در زمان حکومت آق‌قویونلوها ایجاد شده و در دوره صفویان توسعه یافته است.

شاه گلی تبریز تا پیش از روی کار آمدن صفویان، بزرگ‌ترین منبع ذخیره آب جهت آبیاری باغ‌های مناطق شرقی تبریز تا دروازه تهران و تپلی باغ بوده است. در دوران حکومت صفویان، تمام شن و ماسه و نخاله‌های موجود در محوطه داخلی دریاچه فعلی خالی شده و دیواره‌ای سنگی به دور آن کشیده شد.

مخزن آب، مثل باغ تخت شیراز از چشمه‌ای تأمین می‌گردد که از سنگی در بالای مرتفع‌ترین سکو می‌جوشد. آب مخزن را پنج نهر تشکیل می‌دهد که در هر یک آبشار ایجاد می‌شود و هر سکو یا پلکان،

دارای یک

نسبت به

گذشته کمی

کوچک‌تر شده

است. زیرا در سال

۱۳۶۷ که مجموعه

مورد مرمت اساسی شد به

علت احداث فضای گل‌کاری در

کناره‌های آن اندکی مساحت آن

کوچک‌تر شده است.

نادر میرزای قاجار در وصف ایل

گلی می‌نویسد:

«این آبگیر در اوایل حکومت

قاجار ملک یک سلسله از سادات

تبریز و انباشته از خاک و ریگ

بود. قهرمان میرزا پسر هشتم



عباس میرزا نایب‌السلطنه که در آن هنگام حکمران آذربایجان بود، آن ملک را در مقابل سالی ۳۵ خروار غله بخرید. سپس در آبادی و عمران آن همت گماشت.»
از اعتمادالسلطنه نقل است:

«عمارت دریاچه عبارت از کلاه‌فرنگی دو طبقه بسیار آبادی است و بزرگی این دریاچه به درجه‌ای است که به‌قدر دو آسیاسنگ آب در آن وارد می‌شود ولی مدت شش ماه از آب پر می‌گردد.»

سید باقر کاظمی
(مذهب الدوله)
استاندار وقت
آذربایجان
شرقی -

می‌رسد که از موقعیت استثنایی برخوردار است زیرا در وسط آب گیر و به صورت یک جزیره خودنمایی می‌کند. تپه نسبتاً بلندی در بخش جنوبی دریاچه ایل گلی قرار گرفته که جنگل‌کاری شده و آبشارهای مصنوعی متعددی از این تپه به سمت داخل دریاچه سرازیر می‌شود. از دیگر امکانات جذاب تفریحی شهر بازی لوناپارک و امکان قایقرانی در محوطه استخر است

هزار مترمکعب آب را دارد و عمق آن از ۳ تا ۹ متر در قسمت‌های مختلف استخر متغیر می‌باشد. یکی از شعبه‌های رودخانه لیقوان که از نزدیکی روستای چاوان می‌گذرد، به‌صورت جویباری کوچک از سمت جنوب شرقی دریاچه ایل گلی وارد آن شده و آب آن را تأمین می‌نماید. در بهار سال ۱۳۰۹ هجری شمسی که هنوز استخر و طبقه پایین عمارت آن باقی بود از طرف شهرداری تبریز تعمیر گردید و از اواخر اردیبهشت‌ماه به صورت گردشگاه عمومی شهر درآمد. عمارت یک طبقه در فروردین‌ماه ۱۳۴۶ به علت کثرت رطوبت و فرسودگی بنا تخریب شد و در سال ۱۳۴۹ شمسی عمارت دو طبقه‌ای با همان طرح قبلی بنا گردید. امتداد محور اصلی به خیابان سنگ‌فرش شده‌ای می‌رسد که این خیابان تا میانه‌های آب گیر ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به عمارت کوشک باغ ایل گلی



نخستین

تعمیرات

اساسی را در محوطه این گردشگاه به انجام رسانید.

دریاچه ایل گلی با ۵۴۶۷۵ مترمربع وسعت، گنجایش ۷۲۰



گردآورنده: فاطمه کاووسی



سبک
شناسی
ادبی

سبک عراقی

- بکارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار

ویژگی‌های فکری شعر سبک عراقی

- گسترش عرفان و تصوف
- فراوانی زهدستایی و وعظ و اندرز در شعر
- فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی
- رواج هجو و هزل در شعر فارسی
- رواج حس دینی
- درون‌گرایی در شعر و توجه به احوال شخصی و مسائل روحی
- رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی

نثر فارسی دوره دوم:

نثر این دوره سادگی و روانی نثر دوره‌ی پیش را ندارد و کاربرد فراوان الفاظ پیچیده و صناعات (آرایه‌ها) ادبی فهم آن را دشوارتر و دیرپاب‌تر ساخته است. ویژگی‌های عمده نثر فارسی این دوره عبارت‌اند از:

- استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر
- حذف افعال به قرینه
- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی، مغولی و اصطلاحات علمی و فنی
- رواج نثر داستانی و تمثیلی و عرفانی
- آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان (اطناب)
- کاربرد فراوان آیات، احادیث و اشعار در متن.
- استفاده از ترکیبات دشوار
- چهارمقاله، مقامات حمیدی و کلیله و دمنه از مشهورترین آثار نثر این دوره‌اند.

با گسترش شعر دری در عراق و آذربایجان و توجه نویسندگان و شاعران به علوم و ادبیات، در شعر و نثر نیز تحولی پیدا شد. این تحول ابتدا در شعر شاعرانی چون انوری و ظهیر فاریابی دیده می‌شود. در آذربایجان نیز خاقانی و نظامی شیوه‌ای نو به وجود آوردند که به سبک آذربایجانی شهرت یافت. در عراق نیز شاعرانی چون جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و کمال‌الدین اسماعیل و سعدی در دوره مغول و بعد از اینان حافظ این سبک را به اوج خود می‌رسانند. این دوره را می‌توان شکوفاترین دورانی دانست که زبان و ادبیات فارسی به خود دیده است. جز شاعرانی که به آن‌ها اشاره شد می‌توان از عطار، مولوی، سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی نیز یاد کرد. اکنون به ویژگی‌های سبک عراقی اشاره می‌کنیم.

ویژگی‌های زبانی سبک عراقی (شعر)

- فراوانی لغات و ترکیبات عربی
- از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی
- فراوانی ترکیبات نو
- کاهش سادگی و روانی کلام و حرکت به سوی دشواری متون
- ورود لغات ترکی و مغولی به زبان فارسی

ویژگی‌های ادبی شعر سبک عراقی

- رواج بیش‌تر قالب‌های شعری به‌ویژه غزل و مثنوی
- رواج داستان‌سرایی و منظومه‌های داستانی
- خوش‌آهنگ‌تر شدن اوزان شعری، نسبت به سبک دوره اول
- توجه بیش‌تر به آرایه‌های ادبی

معرفی سبک عراقی به زبان طنز شعر: ناصر فیض

ناگهان معشوق یاغی می‌شود
نوبت سبک عراقی می‌شود
شاعر سبک عراقی خسته نیست
جمعه هم میخانه‌هایش بسته نیست
تا مگس در کوچه پرپر می‌زند
مست هم میخانه را در می‌زند
باده می‌نوشند می‌خواران بکوب
از همان می‌های تاپ و ناب و خوب
پس بخور تا می‌توانی واشربوا
پر کن از این آب خود را تا گلو
بیت بالا نیست از اشعار من
چون‌که این فتوا نباشد کار من
باز می‌گردم به شرح ماجرا
تا بگویم از عراقی با شما
شیخ و زاهد لاجرم خم می‌شوند
هر زمان که وارد هم می‌شوند
در تمام شهر حتی یک نفر
نیست از این زاهدان منفورتر
با مشایخ یک نفر هم خوب نیست
شیخ در این جامعه محبوب نیست
پیرها اینجا جوانی می‌کنند
کارهای آن‌چنانی می‌کنند
آسمان و ریسمان آن کم است
شاعر سبک عراقی آدم است
دلبران هستند همچون پادشا
عاشق بیچاره کمتر از گدا
دائماً از هجر صحبت می‌کند
گاه وصلت هم اذیت می‌کند
پیر عاشق تا درآید، روز و شب
وعده دیدار می‌افتد عقب
عاقبت دلبر جوانی می‌کند
با رقیبانش تباری می‌کند

در وظایف تا تداخل می‌شود
عاشق بدبخت هم خل می‌شود
بعد، دیگر نوبت دیوانه‌هاست
ماجرای شمع با پروانه‌هاست
روز و شب را یار تعیین می‌کند
کام را او تلخ و شیرین می‌کند
تا سوار اسب و اشتر می‌شود
جان عاشق از تعب پر می‌شود
بس که می‌گرید به دنبال ابل
می‌رود تا نیمه محمل توی گل
زلف را وقتی مرتب می‌کند
روز عاشق را چنان شب می‌کند
دلبران بازار گرمی می‌کنند
عاشقان هرچند نرمی می‌کنند
ناگهان یار از میان گم می‌شود
می‌رود معشوق مردم می‌شود
عاشق بیچاره از فرط جنون
می‌شود دیوانه‌تر از قبل از اون!
مدتی میل ملامت می‌کند
در مجالس کشف عورت می‌کند
بس که عاشق می‌شود درگیر عشق
عشق پیرش می‌شود او پیر عشق
دلبر آگه می‌شود از ماجرا
می‌شود «دیر آمدی حالا چرا؟»
بلبل اینجا عاشق شاخ گل است
شوهر گل در حقیقت بلبل است
بلبل و گل زیر سقف یک لحاف
تا سحر هستند مشغول عفاف!
مثل پروانه ز شوق سوختن
شمع می‌میرد برای انجمن
گاه دلبر هست بی روپوش و ستر
قد ایشان هست گاهی تا سه متر

عمر عاشق هرچه کمتر می‌شود
مال دلبر صد برابر می‌شود
هیچ کاری در عراقی عار نیست
بی‌دلیل آنجا کسی بیکار نیست
شیخ و زاهد خودفروشی می‌کنند
رند و عارف باده‌نوشی می‌کنند
عارفان پیش از نماز یومیه
باده می‌نوشند تا این ناحیه
بعد هر رکعت که می‌خوانند باز
باده می‌نوشند مابین نماز
چون شرابش نیست از جنس سن ایچ
خواهشاً در نوع جنس آن می‌پسج
وصل اینجا اتفاقی نادر است
گر بیفتد در خیال شاعر است
وقتی از معشوق می‌گیرند کام
نیست منظور کسی فعل حرام
عاشقی وقتی مسلم می‌شود
قبح این افعال هم کم می‌شود
چون تغزل در عراقی محور است
شاعر اینجا با غزل راحت‌تر است
در قصائد ناشی‌اند و ناتوان
چون قصیده نیست جای این زبان
تا برآید از پس هر مسئله
سعدی از این سبک شد سعدی، بله!
سهل گفت و ممتنع تا اینکه شد
شاعری شاخص‌ترین در سبک خود
سبک هندی بعدها آمد پدید
بعدترها هم که هندی ورپرید!

گردآورنده: مهدیه غفاری